



تسلط بر منابع نفت و گاز خلیج فارس و دریای خزر محور تلاش‌های آمریکا، چین و روسیه است

بازی بزرگ ۲؛ رقابت برای سلطه منابع انرژی

۴- گزارش شده معاون ستاد ارتش چین به دولت پیشنهاد کرده است تا در زمینه ایجاد ذخایر استراتژیک نفتی و همچنین ایجاد استعداد نظامی برای حفاظت دریایی از تانکرهای حامل نفت به مقصد چین تدابیر لازم اتخاذ شود.

۵- "لیام فاکس"، معاون سابق حزب محافظه کار بریتانیا، هم اکنون وزیر دفاع در سایه است. وی خواستار ایجاد مدیریت انرژی (Energy Directorate) در ساختار دولت بریتانیاست. وی وظیفه این مدیریت را همکاری با کشورهای تولید کننده و ترانزیت نفت و گاز برای بهبود سازوکار امنیت انتقال انرژی می داند. افزون بر این وی می گوید که چین در بندر گوادر (پاکستان) پایگاه شنود برای مونیور کردن ترافیک نفت خلیج فارس ایجاد کرده است. به اعتقاد وی، در میان مدت، حضور ناوهای هواپیمابر چینی برای مراقبت از تنگه هرمز و حفاظت از راه‌های انتقال نفت منطقه به چین امری تعجب آور

دموکرات به مواضع نو محافظه کاران تلقی می شود و در آن ایام نامزد اصلی احراز پست وزارت دفاع بشمار می رفت، بسیار مهم دانسته شد.

۲- چندی پیش دولت لهستان پیشنهاد کرد عهدنامه‌ای در خصوص انرژی (Energy Pact)، مشابه منشور سازمان ناتو در خصوص دفاع متقابل، میان کشورهای اروپایی به امضاء برسد تا این کشورها در شرایط بحران و کمبود انرژی به همدیگر مساعدت کنند.

۳- گزارش‌هایی منتشر شده است مبنی بر اینکه بخشی از وزارت دفاع آمریکا فعلاً در صدد تولید سوخت مایع از ذغال سنگ (CTL) به شیوه Ficher-Tropch (FT) است. علت این توجه، عدم انجماد سوخت مورد نظر در شرایط سرد آب و هوایی ذکر شده است. اما گفته می شود با توجه به وضعیت جهانی نفت علت اقدام پنتاگون این است که در شرایط بحرانی ماشین جنگی آمریکا سوخت در اختیار داشته باشد.

در شرایطی که به علت تداوم فزاینده قیمت‌های جهانی نفت، درآمد کشورمان رو به افزایش است و از سوی دیگر از آغاز سال جاری موضوع عدم تکافوی بنزین و سهمیه بندی آن با یادون افزایش قیمت از مسایل مورد توجه و بحث، در داخل است موضوعات زیر در دیگر نقاط جهان در خور تأمل اند:

۱- در اواخر سال ۲۰۰۵ سناتور معروف آمریکایی لیبرمن (از حزب دموکرات و کاندیدای پست معاونت ریاست جمهوری در انتخابات قبلی آن کشور)، در نطقی که بازتاب وسیع رسانه‌ای یافت، پیشنهاد کرد از آنجا که مسیر کنونی آمریکا و چین در زمینه دستیابی به منابع انرژی ممکن است به بروز اختلاف و تنش در روابط و احیاناً رودررویی نظامی بینجامد اصلح است دو کشور، رقابت را به همکاری و تشریک مساعی در زمینه انرژی متحول کنند.

اظهار نظر وی، که نزدیک ترین سیاستمدار حزب

سنگ نیز به علت ملاحظات زیست محیطی - حفاظتی امکان پذیر نیست. در واقع این راه حل، حتی در بهترین حالت، تنها می تواند در میان مدت از فشار تقاضا بکاهد. از همین رو رقابت بین قدرت ها برای دسترسی به منابع باقی مانده نفت و گاز و تسلط بر آن ها، همانند سایر منابع، هم اکنون در برنامه و دستور کار قرار دارد. به عبارت دیگر کشورها برای دسترسی و دستیابی به مواد اولیه با هم در رقابت اند. به دیگر عبارت اکنون سیاست و روابط خارجی در زمین شناسی خلاصه شده است (All Politics is Geology now) و مهم ترین و تاثیر گذار ترین ماده اولیه نفت و (همچنین گاز) می باشد.

سلطه بر منابع انرژی

حتی در دوران وفور نفت، یعنی در شرایطی که نفت و گاز دریای شمال به بازار عرضه می شد، در خلیج مکزیک فعالیت های اکتشاف و بهره برداری از منابع نفت صورت می گرفت و صحبت از بهره برداری منابع نفت آلاسکا در میان بود، خلیج فارس مهم ترین منطقه جهان از لحاظ تامین نفت به شمار می رفت. در سال های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ یعنی پس از کشف مخازن نفت و گاز حوزه دریای خزر، توجه کشورهای غربی معطوف به این شد که منابع کشف شده جدید به صورت مکمل و احیاناً جایگزین نفت منطقه خلیج فارس درآیند.

آن زمان چنین تصویری می شد که اگر در صورت وقوع تغییرات مهم داخلی در عربستان یا منطقه، بر اثر سیاست های رژیم صدام، وقفه ای در جریان نفت خلیج فارس ایجاد شود، می توان از نفت و گاز حوزه خزر به عنوان جایگزین استفاده کرد. اگر هم اتفاقی رخ ندهد، ورود منابع جدید موجب فشار بر قیمت ها می شود. به هر روی رشد اقتصادی کشورهای غربی امکان پذیر خواهد بود.

هم اکنون خلیج فارس و حوزه دریای خزر مهم ترین منابع تامین نفت و گاز کنونی و آتی دنیا به شمار می روند و از همین رو در معرض رقابت استراتژیک و تلاش آمریکا، روسیه و چین برای تسلط بر آن قرار دارند؛ رقابتی که از آن به عنوان ادامه جنگ سرد و یا بازی بزرگ شماره ۲ نام برده می شود.

در بازی بزرگ اصلی و اولیه که حدوداً از سال ۱۸۰۷ و برنامه حمله روسیه و فرانسه به هند آغاز شد و در سال ۱۹۰۷ با توافق امپراتوری بریتانیا و روسیه تزاری در تقسیم مناطق نفوذ خود از پامیر (چین) تا ایران پایان یافت، بازیگران اصلی، دو امپراتوری مزبور بودند. امپراتوری بریتانیا هند را تحت سلطه و استعمار در آورده بود و برای حفظ آن با روسیه تزاری، که در صدد توسعه ارضی

تولید آغاز شده است.

صرف نظر از مسائل پیش گفته، یعنی ریسک ژئوپولیتیک، قطع یا کاهش عرضه و نیز مساله Peak oil، مهم ترین موضوع فراروی جامعه بین المللی، روند رو به رشد تقاضای انرژی و عدم تکافوی منابع و امکانات موجود برای پاسخگویی به این تقاضاست.

در تحلیل ها شبهه ایجاد یک ساختار امنیتی بین المللی از سوی کشورهای عضو گروه هشت (G8) مطرح شده است که به دلیل کمبود انرژی قرار است در سال های آتی تشکیل شود

آغاز صنعتی شدن همزمان بخش های عمده ای از جوامع و کشورها (عمدتاً در آسیا) و به تبع آن شهرنشینی سریع، موجب افزایش تقاضا برای انرژی شده است. نیاز مصرف کنندگان قبلی نیز کماکان به قوت خود باقی است. این امر به تدریج سبب گشته که ظرفیت مازاد تولید به سرعت کاهش یابد. وضع به گونه ای است که به زودی ذخایر و همچنین امکانات و تأسیسات موجود اصولاً توانایی پاسخگویی به تقاضا را نخواهند داشت. این در حالی است که طبق بیانیه انرژی G8 هنوز ۲/۴ میلیارد نفر از جمعیت جهان از دسترسی به سوخت و ۷/۴ میلیارد نفر از نعمت برق محرومند.

این گروه نیز هر چند به آهستگی، ولی به هر روی، به مصرف کنندگان پیشین افزوده شده، بر فشار تقاضا خواهند افزود.

برای مواجه شدن با چنین وضعیتی، پیگیری دوازه حل موازی در دستور کار است؛ یکی یافتن منابع جدید انرژی جایگزین و دیگری تحکیم موقعیت قدرت های عمده در مناطق دارای ذخایر نفت و گاز. در زمینه انرژی های جایگزین، صاحب نظران و متخصصان، گشایش و تغییر عمده ای در ارایش بینی نمی کنند؛ به ویژه از آن رو که توسعه انرژی های تجدید پذیر سرمایه های معتناهی طلب می کند.

استفاده از منابع قبلی نظیر سوخت هسته ای یا ذغال

نخواهد بود.

۶- در بیانیه ای مفصل با عنوان "امنیت انرژی جهانی" که در دومین روز اجلاس سران کشورهای صنعتی (G8) در سن پترزبورگ به امضای سران شرکت کننده رسید، برنامه اقدام امنیت انرژی در هفت بند تشریح شده است. به جز یک بند این بیانیه، که درباره تغییرات آب و هوایی است، بقیه بندها به موضوع انرژی اختصاص دارند. در این میان مفاد یک بند قابل توجه است، چرا که در آن خواسته شده است که اطلاعات مربوط به نقل و انتقال از ذخایر تا پالایشگاه و میزان فرآورده استحصالی و به طور کلی واردات و صادرات از سوی کشورهای تولیدکننده و مصرف کننده با شفافیت کامل ارائه شود. در تحلیل ها در باره این مقوله، شبهه ایجاد یک ساختار امنیتی بین المللی از سوی کشورهای عضو گروه هشت (G8) مطرح شده است که به دلیل کمبود انرژی قرار است در سال های آتی تشکیل شود.

کمبود انرژی

از سپتامبر ۱۸۸۲ که امپراطوری بریتانیا متوجه مزیت های نفت در مقایسه با ذغال سنگ به عنوان سوخت قابل استفاده در ناوگان تجاری و نظامی خود شد و از ۱۸۸۵ که دایملر آلمانی خودروی با موتور احتراق داخلی را ساخت و عرضه کرد و به تدریج نفت سوخت اصلی جهانی شد تا همین اواخر مشکلی به نام کمبود انرژی به ویژه نفت وجود نداشت. البته در سال های ۱۹۷۳ و همچنین در سال های ۸۰-۱۹۷۹ به علت قطع عرضه نفت، متاثر از حوادث سیاسی، بحران در بازار نفت ایجاد شد. این امر، یعنی تاثیر عوامل سیاسی بر عرضه نفت، که اصطلاحاً از آن به عامل ژئوپولیتیک تعبیر می شود، در زمان حال نیز کامیاب و وجود دارد.

موضوع مورد بحث دیگر در چند سال اخیر رسیدن تولید نفت جهانی به حداکثر و آغاز تدریجی کاهش آن است (این پدیده نیز به Peak oil موسوم است). متخصصان و افسراد شاخصی همچون "ماتیو سایمونز"، بانکدار آمریکایی با بیش از ۳۰ سال تجربه تامین مالی پروژه های انرژی و "دیوید اورایی"، رییس شرکت "شورون"، دومین شرکت عمده نفتی آمریکا، طرفدار این نظریه و معتقدند میزان تولید نفت جهانی به زودی روند کاهنده غیر قابل برگشت را آغاز خواهد کرد. سرشناس ترین متخصص در این زمینه پروفیسور "کنت دافه یوس"، استاد زمین شناسی دانشگاه معروف آمریکایی پرینستون، چند ماه قبل اعلام کرد حداکثر میزان تولید جهانی نفت در دسامبر ۲۰۰۵ صورت گرفته و از آن پس کاهش تدریجی

بسامان نیست؛ چندان که تحلیل گران آمریکایی عراق را سیاه چاله (Black Hole) آمریکا می نامند که امکانات نظامی، سیاسی، اقتصادی آمریکا را به خود جذب و معطل کرده است. در این میان به قدرت رسیدن اکثریت شیعه در عراق موقیعت ایران را در آن کشور تقویت کرده است.

آمریکا

ایالات متحده آمریکا در عین حال که به تحریم ایران ادامه می دهد، می کوشد از اهرم شورای امنیت نیز برای اعمال فشار بر کشورمان بهره بگیرد. اینکه بیشتر مقامات ارشد آمریکایی از جمله بوش، چنی و رایس دارای سوابق و ارتباطات نزدیک با صنعت نفت هستند، گویای آن است که مساله انرژی و خاصه نفت ایران اهمیت بسیاری در تصمیم گیری ها و سیاست های آمریکا در قبال ایران دارد.

چین

به دلیل نیاز به نفت و گاز به عنوان سوخت موتور رشد اقتصادی خود با غنیمت شمردن تحریم ایران از سوی آمریکا و نیز هراس شرکت های اروپایی و دیگر کشورها از مجازات آمریکا، وارد بازار انرژی ایران شده است و حاضر نیست این بازار را به آسانی ترک کند.

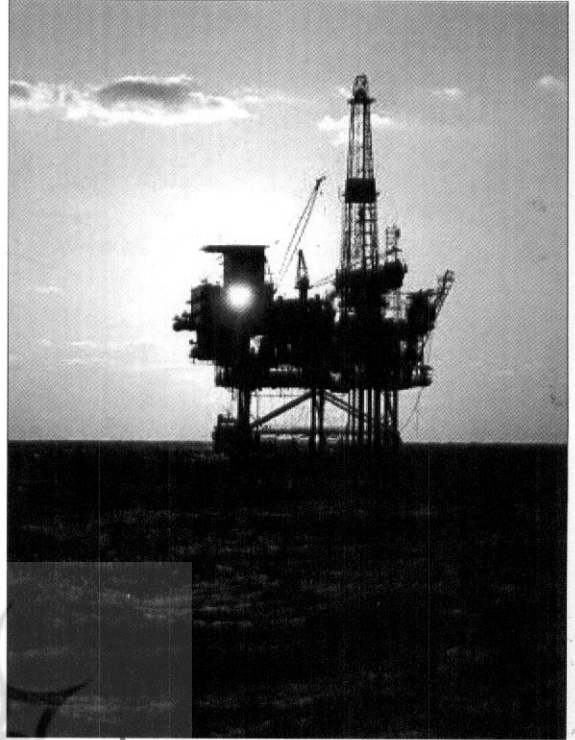
روسیه

روسیه نیازی به انرژی دیگر کشورها ندارد و خود صادر کننده و قدرتی عمده در این عرصه است. با این حال روسیه به خوبی واقف است چنانچه سیاست های انرژی ایران با آن کشور هماهنگ شود، از قدرتی فوق العاده در عرصه انرژی جهانی برخوردار خواهد شد. مهم تر اینکه منافع ملی روسیه (و به میزان کم تری چین) ایجاب می کند که سیاست های آمریکا در قبال ایران ناموفق باقی بمانند.

چنین وضعیتی دورنمای سیاسی جدیدی فراروی ایران می گشاید. به این معنی که ایران با اقبال و توجه به هر یک از این سه رقیب، قادر است تغییری تازه و جدی در شرایط به وجود آورد و از آن بهره برداری کند. ●

۱- "تد کابل"، چهره معروف رسانه ای آمریکا، حدود یک ماه قبل مطلبی درباره سفر خود به اردن و صحبت با یک مقام ارشد امنیتی آن کشور نوشت. وی از مقام اردنی پرسیده بود: آیا صحبت ملک عبدالله دوم درباره خطر هلال شیعی هنوز به قوت خود باقی است و کماکان موضوعیت دارد؟ مقام اردنی پاسخ داده بود موضوع مربوط به گذشته است و ادامه داده بود اکنون دیگر هلال شیعه وجود ندارد، بلکه هلال به بدر کامل تبدیل شده است.

ایالات متحده آمریکا در عین حال که به تحریم ایران ادامه می دهد، می کوشد از اهرم شورای امنیت نیز برای اعمال فشار بر کشورمان بهره بگیرد



محوری است. به لحاظ جغرافیایی ایران تنها کشوری است که به خلیج فارس و دریای خزر، یعنی، به دو منطقه بسیار مورد علاقه سه کشور مزبور، متصل است. افزون بر ایران بر تنگه هرمز نیز اشراف دارد؛ یعنی باریکه ای که روزانه ۱۸ میلیون بشکه نفت صادراتی منطقه خلیج فارس یا به عبارت دیگر ۴۰ درصد نفت مورد معامله جهانی از آن عبور می کند.

کشورمان همچنین مناسب ترین و اقتصادی ترین راه ترانزیت نفت و گاز خزر به بازارهای جهانی است. ایران دومین ذخایر عمده نفت جهان (۱۳۲ میلیارد بشکه یا به عبارتی ۱۱ درصد ذخایر شناخته شده جهان) و دومین ذخیره عمده گاز جهان (۲۷ تریلیون متر مکعب یا ۱۵/۳ درصد از کل) را داراست. کشورمان همچنین اکنون دومین صادرکننده عمده نفت اوپک است. در این میان نکته بسیار مهم این است که ایران از کشورهای معدود و انگشت شمار جهان است که می تواند ظرفیت تولید نفت (تا ۳ میلیون بشکه در روز) و گاز خود را به میزان قابل ملاحظه ای افزایش دهد.

ایران، پرجمعیت ترین و صنعتی ترین کشور منطقه به شمار می رود و همواره در منطقه نقش عمده ای داشته است. در اثر تحولات چند ساله اخیر منطقه، به ویژه در عراق، موقعیت و نفوذ ایران ارتقاء یافته و بحث ایران به عنوان قدرت مسلط منطقه و مرکز هلال شیعه^(۱) مطرح شده است. این در حالی است که اوضاع آمریکا در عراق

و دست اندازی به آسیای میانه و قفقاز بود، در رقابت و منافشه بود. در آن رقابت ها ایران بازنده اصلی بود، بخش های بزرگی از کشورمان، در شرق و جنوب شرقی و شمال غربی، جدا شد و نفوذ دیرپا و تاریخی ایران بر آسیای میانه از دست رفت.

در بازی بزرگ جدید که برای نفوذ استراتژیک و سلطه بر منابع و ذخایر منطقه مزبور یعنی (Greater Persian Gulf/Caspian Sea region) در جریان است از بازیگران قدیمی، روسیه حضور دارد، انگلستان نیز جای خود را به قدرت مسلط فعلی یعنی آمریکا داده است، چین هم حاضر است. ایران نیز این بار حاضر است و نقشی دوگانه و محوری بر عهده دارد.

از سه بازیگر رقیب، آمریکا بر ذخایر و منابع سواحل جنوبی خلیج فارس سلطه دارد و در عراق و افغانستان حاضر است. روسیه و چین به حاشیه دریای خزر نزدیک تر هستند و بر آسیای میانه اشراف دارند. از وجه دیگر آمریکا و چین به ترتیب دو مصرف کننده عمده نفت جهان هستند، اما روسیه صاحب عمده ترین ذخایر گازی دنیاست. مضافا دومین تولید کننده نفت جهان به شمار می رود.

ایران

در منازعه و رقابت سخت میان آمریکا، روسیه و چین برای تسلط بر منابع و ذخایر منطقه، ایران دارای نقش

موسسه مطالعات اقتصادی و بین‌المللی روند

مرکزی برای بررسی و کمک به فرآیند بین‌المللی شدن جامعه و نگاه

«موسسه مطالعات اقتصادی و بین‌المللی روند» مرکزی تحقیقاتی است که خود را متعهد به ارتباطات، تفاهم و مشارکت بین‌المللی می‌داند و در دو حوزه سیاست‌های اقتصادی و اقتصاد بین‌الملل از یک سو و روابط سیاسی و بین‌المللی از سوی دیگر فعالیت می‌کند. این موسسه که نخستین مرکز غیردولتی و مستقل در این رشته می‌باشد چهار فعالیت زیر را انجام می‌دهد.

- ۱- انجام مطالعات کاربردی برای سیاست‌های استراتژیک سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها، سیاست‌گذاری برای ورود به منحنه جهانی و مقابله با ریسک‌ها و چالش‌های آن و تهیه بسته‌های سیاسی برای بین‌المللی شدن و نیز مطالعه مسایل منطقه‌ای و جهان
- ۲- مشاوره و ارائه راه‌حل برای مسایل اقتصادی و بین‌المللی
- ۳- برگزاری جلسات همایش و گفتگو در امور تخصصی و عمومی اقتصادی و بین‌المللی
- ۴- چاپ و انتشار تحقیقات انجام شده

موسسه روند دارای دو دپارتمان اقتصادی و بین‌المللی است که محققین هر یک را اساتید و مدیران مجرب تشکیل می‌دهند و از همکاری یک گروه از متخصصین و پژوهشگران بین‌المللی بهره‌مند است.

بنگاه‌های داخلی و خارجی، سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی و مؤسسات تحقیقاتی می‌توانند برای سیاست‌گذاری‌های خود از خدمات مؤسسه استفاده کنند.

*Ravand Institute for
Economic & International Studies (RIEIS)
Committed to The Internationalization Process of The Society & The Corporations.*

نشانی: تهران، خیابان ولی‌عصر، بالاتر از جام جم
ساختمان جم، شماره ۱۴۷۹، طبقه ۶ واحد ۲
کدپستی ۱۹۶۶۸۴۳۱۱۶
تلفن: ۲۲۰۱۲۵۵۰
فاکس: ۲۲۰۱۹۷۳۵